

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: النا باسیل*
برگردان: ا. م. شیری
۲۹ می ۲۰۲۴

دنیای جدید در سایه چین



روسیه و چین در مواجهه با اقدامات غیرقانونی غرب متحد می‌شوند

نشریه ایتالیایی «IL Fatto Quotidiano» می‌نویسد پوتین و شی همکاری دو کشور را تقویت می‌کنند. روسیه و چین برای مقابله با اقدامات غیرقانونی سرمایه‌داران غربی (قطع ارتباط مسکو از سوئیفت، تحریم‌ها و توقیف دارایی‌های آن)، متحد می‌شوند. این امر روند دالرزدائی در جهان و کنار گذاشتن ستندردهای دوگانه امریکا و اروپا را تسریع می‌کند.

سفر پوتین به چین گام دیگر در جهتی بود که جهان‌بینی معیوب غرب روسیه را پس از ده‌ها سال کوبیدن درب اروپا مجبور به آن کرده است. زمانی که پوتین در سال ۲۰۰۰ به قدرت رسید، دو هدف استراتژیک داشت: **جای گرفتن روسیه در ساختارهای مدیریت اقتصادی یورو آتلانتیک و احیای استقلال ملی**. او تا سال ۲۰۱۴ موفق شد استقلال استراتژیک مسکو را با نیاز به روابط اقتصادی پایدار با غرب ترکیب کند. کودتای نظامی مستند ۲۰۱۴ در کنیف (میدان کنیف)، کرملین را غافلگیر و مبهوت کرد.

رهبری روسیه با موضوع دشوار الحاق کریمه به منظور حفاظت از پایگاه نظامی بحیره سیاه در سواستوپل مواجه شد که می‌توانست باعث توسعه خط مشی استبدادی شود و رئیس‌جمهور روسیه را از حمایت یک بلوک اجتماعی-اقتصادی

که از سرمایه‌گذاری و تجارت با اروپا ثروتمند شده‌اند، محروم کند. حفظ استقلال روسیه دیگر با منافع اقتصادی سازگار به نظر نمی‌رسید. اما در نهایت در سال ۲۰۱۴، بین سرمایه و منافع سیاسی در غرب اختلاف به وجود آمد. غرب آن نوع جهانی‌سازی که قدرت اقتصادی را بین چین و اقتصادهای نوظهور مجدداً توزیع می‌کند، رد کرد. کشورهای غربی ستراتیژی ایجاد «بلوک‌های تجاری دوستانه»: تجارت و سرمایه‌گذاری فقط با دوستان را اتخاذ کرده‌اند.

رهبری روسیه هنگام الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴، هر چند از اتفاق در حال رخ دادن دلسرد بود، با دقت و سنجیدگی عمل کرد. در شرایط بازگشت به جنگ سرد، که «دنیای امریکائی» به دنبال سلب استقلال مسکو بود، احتمال ظهور دنیای جدید در سایه چین وجود داشت. در سال ۲۰۱۳، مفهوم ساختار حمل و نقل زمینی کالا - جاده ابریشم جدید که می‌توانست به توسعه و شکوفائی فضای اوراسیا منجر شود و تأثیر غیرمستقیم مهمی بر کشورهای اروپائی بگذارد، از سوی چین پیشنهاد شد. در سال ۲۰۱۴، روسیه در زمینه تأمین انرژی و ساخت زیرساخت‌های انرژی، قراردادی به ارزش ۴۰۰ میلیارد دلار با چین امضاء کرد. این سنگ بنای همکاری اقتصادی بی‌سابقه‌ای بود که اتحادیه اقتصادی اوراسیا را تقویت کرد. از سال ۲۰۰۸، دنیای چند قطبی در افق پدیدار شد. در سال ۲۰۰۶، بریکس تشکیل گردید و در روند گسترش خود، هژمونی امریکا را که تنها در برتری نظامی تسلی می‌یابد و یک عنصر ارتباطی مهم است، به نبرد فرا خواند. مسکو به برکت کمک‌های چین و جنوب جهانی از تحریم‌های غرب جان سالم به در برد و در حال پیروز شدن در ماجراجویی پرخطری است که از سال ۲۰۱۴ آغاز شده است. امروز روسیه بسیار قوی‌تر از گذشته است.

شی و پوتین در بیجینگ همکاری دو کشور را تقویت کردند. واردات روسیه شامل وسایل نقلیه برقی چینی و قطعات دفاعی و همچنین، صادرات به بخش انرژی و کشاورزی و صنعت چین در حال رشد است. کشورهای موسوم به «اقتدارگرائی»، قصد مشترک خود را برای برقراری صلح و تثبیت وضعیت روی کره زمین در سطح ژئوپلیتیک اعلام کرده‌اند. مسکو و بیجینگ از آتش بس در غزه، آزادی فوری گروگان‌ها و برگزاری کنفرانس صلح برای دستیابی به راه حل دو دولتی حمایت می‌کنند. پوتین از میانجیگری چین حمایت می‌کند؛ طرح ۱۲ بندی صلح چین در حال حاضر تنها نمونه دیپلماسی عقلانی و ستراتیژیک است. همکاران سابق من با نزدیک‌بینی سنتی که در صورت همکاری با اندیشه‌های تحت حمایت امریکا، وعده پول آسان و مکان آفتابی به آن‌ها داده می‌شود، با گفتن این که چین سلطه‌گر است و به غرب نیاز دارد، استقلال و صداقت فکری خود را از بین می‌برند. زیرا، حجم تجارت چین با اروپا تقریباً دو برابر مسکو است. آن‌ها بر موضع فرودست روسیه تأکید می‌کنند، در حالی که پیروی اروپا از واشنگتن را نمی‌بینند.

روسیه و دیگر کشورهای عضو بریکس در واقع با چین که در مواجهه با اقدامات غیرقانونی سرمایه‌داران غربی (قطع ارتباط مسکو از سوئیفت، تحریم‌های اقتصادی و ضبط ۳۰۰ میلیارد یورو پول آن)، روند دالرزدائی را تسریع نموده، در حال متحد شدن هستند. تعداد اعضای بریکس رو به افزایش است و از جهانی‌سازی و چندجانبه‌گرایی، اصلاحات در سازمان ملل و سازمان امنیت و همکاری اروپا، رد ستندهای دوگانه غربی، اعمال قواعد روشن به جای «انتخاب از منوی» مطابق با منافع امریکا، اصلاح مدیریت اقتصادی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی حمایت می‌کند. اگر غرب معقولانه استدلال می‌کرد و فضای رسانه‌های سیاسی فاسد نمی‌شد، این مسائل در کانون توجه قرار می‌گرفتند. برای انجام اصلاحات و برقراری ثبات در مناطق بحرانی، تعیین یک ستراتیژی میانجیگرانه دیپلماتیک متشکل از چین، کشورهای عضو بریکس و جنوب جهانی ضرورت تام دارد. اما طبقات حاکم غربی مانند همکاران سابقم که روزگاری به خاطر وفاداری خود به مراکز قدرت سیاسی اجازه ورود به مراکز قدرت سیاسی را داشتند و امروز با

تحقیق مکرانه دیگران، صفحات روزنامه‌های کثیرالانتشار را پر می‌کنند، با تلاش‌های ناموفق برای گذار به انرژی سبز، سیستم کنترل غیر انسانی دیجیتال و درگیری‌های مسلحانه، میراث ناسالم برای نسل‌های آینده بر جای می‌گذارند.

نقل از: [ساوتسکایا راسیا](#) (روسیه شوروی)

تصویر سر صفحه: [از اینجا](#)

*- دیپلمات و نویسنده ایتالیائی، سفیر سابق ایتالیا در سویدن و بلجیم